



به نام خدا

گزارشے از تحولات حوزه رفاہ و تأمين اجتماعے در آسيای شرقے، امريکای شمالے،
خاورميانه، امريکای جنوبے و افريقا با تمرکز بر موضوع

بازنشستگے؛ چماق و هوپچ روسے

تحليل ر خدا دهاي

September 2018



موسسه عالی پژوهش استراتژيکي



انکارسنجی و نظرسنجی



گزارش تحلیلی شماره (۲)

پروژه رصد ماهانه رخدادهای حوزه رفاه و تأمین اجتماعی (منطقه‌ای و بین‌المللی)

با تمرکز بر رخدادهای حوزه تأمین اجتماعی، رفاه و سیاستگذاری اجتماعی

گزارشی از تحولات حوزه رفاه و تأمین اجتماعی در آسیای شرقی، امریکای شمالی،

خاورمیانه، آمریکای جنوبی و آفریقا با تمرکز بر موضوع

بازنشستگی؛ چماق و هویج روسی

تحلیل رخدادهای September 2018

سرپرست تیم و مجری طرح: سینا چگینی

ناظر علمی: مهدی سلیمانیه

تاریخ انتشار گزارش: ۹۷/۸/۲۲

فهرست

۵	برخی تحولات مهم حوزه رفاه و تأمین اجتماعی در سپتامبر ۲۰۱۸
۵	گزارش اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی از ایمنی و بهداشت محیط کار
۵	به بهانه یکسالگی کمپین ویزن زیرو
۷	قطر: حق جابجایی برای کارگران مهاجر
۱۱	رکود هفت کشور نوظهور: تداوم اعمال سیاست‌های ریاضتی نولیبرالی
۱۱	آرژانتین: صعود نرخ بهره
۱۲	آفریقای جنوبی: رکود فراگیر
۱۲	ترکیه: تداوم بحران و وسوسه استقراض
۱۳	چین: ازدهای بدهکار
۱۳	اندونزی: پاییز پول ملی
۱۴	مکزیک: شوک ترامپی اقتصاد
۱۴	هند: تورم رو به تصاعد
۱۵	گزارش ILO درباره نظام مستمری‌ها: خصوصی سازی ممنوع!
۱۸	پرونده ویژه: تابستان داغ بازنشستگان: چماق یا هویج نئولیبرالیسم پوتینی
۱۸	اعتراضات مردم روسیه به اصلاحات نظام‌های بازنشستگی
۱۸	مقدمه
۱۹	بستر کلی اقتصاد روسیه
۲۰	پیدایش اعتراضات
۲۲	وضعیت بازنشستگان و کارگران
۲۴	معضلات عمده
۲۹	راه حل
۳۱	نتیجه‌گیری

فهرست

ضمیمه شماره (۱): از رکود به تعدیل: سه مرحله در تحول نظام مستمری ۳۳

در روسیه

- ۳۳ توضیح مترجم
- ۳۴ صحبت زیاد، عمل کم: اصلاح مستمری در دوره یلتسین
- ۳۵ اصلاح لیبرالی در زمینه‌ای غیرلیبرال: اصلاح مستمری در دوره پوتین
- ۳۷ در جستجوی تنظیمات مستمری جدید: اصلاح مستمری روسیه در مرحله حساس

برخی تحولات مهم حوزه رفاه و تأمین اجتماعی در سپتامبر ۲۰۱۸ گزارش اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی از ایمنی و بهداشت محیط کار

به بهانه یک‌سالگی کمپین ویژن زیرو

گزارش تحولات حوزه رفاه و تأمین اجتماعی را در ماه سپتامبر می‌توان از کمپین ویژن زیرو شروع کرد. در سپتامبر ۲۰۱۸، **کمپین ویژن زیرو (Vision Zero)** یا همان «تصور نقطه صفر» یک ساله شد. این کمپین که با همکاری اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی (ISSA) و نهادهای تأمین اجتماعی در سراسر جهان راه اندازی شد، در یک سال گذشته تلاش کرد تا تقویت ایمنی، بهداشت و پیشگیری از حوادث کار را در دستور کار قرار دهد. اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی در سالگرد این کمپین بار دیگر از سازمانها و نهادهای تأمین اجتماعی کشورهای جهان خواست که به این کمپین بپیوندند و نقشی فعال را در این کارزار ایفا کنند. ایسا در این گزارش جدید، تصریح می‌کند که ایمنی، بهداشت و بهبود فضای کار اهمیتی حیاتی در بقا و پیشرفت تأمین اجتماعی در جهان دارد. پیشگیری‌ها هر روز موجب می‌شود که زندگی کارگران حفظ شود و از سلامت و بهبود رفاه کارگران و خانواده‌هایشان حمایت می‌کند.

به‌علاوه سرمایه‌گذاری در حوزه پیشگیری از حوادث کار مزایای اجتماعی و اقتصادی بسیاری برای جوامع دارد. مشاغل رقابتی را بهبود می‌بخشد و تأثیری مثبت بر ثبات طرح‌های تأمین اجتماعی دارد. دبیرکل ایسا نیز در پیامی ویدئویی به مناسب یک سالگی این کمپین اعلام کرد:



«متأسفانه، وقتی جراحی در کارها رخ می‌دهد این نهادهای تأمین اجتماعی هستند که به عنوان بازیگر اصلی در جهت پوشش هزینه‌های سلامت افراد و مزایای بلندمدت برای یک حادثه یا بیماری شغلی نقش آفرینی می‌کنند. ما براین باوریم که نهادهای تأمین اجتماعی باید نقش فعالانه‌تر و موثرتری را ایفا کنند تا در وهله نخست از صدمات ناشی از کار جلوگیری کنند. ما از این نهادها می‌خواهیم که بازیگر فعالی باشند.»



به همین دلیل ایسا (ISSA) در سال گذشته استراتژی اصلی خود را بر پیشگیری قرار داد و کمپین ویژن زیرو را به راه انداخت. پایه اصلی این کمپین باور به این اصل است که همه حوادث، صدمات و بیماریهای شغلی قابل پیشگیری هستند. این کمپین یک نقشه راه را براساس «هفت اصل طلایی» ترسیم می کند که خواستار ارتقای فرهنگ پیشگیری در شرکت ها است و هر سه بعد ایمنی، سلامت و نیز بهبود فضای کار را دربر می گیرد.

این هفت اصل عبارتند از:

۱. هدایت و راهنمایی - تشریح تعهدات
۲. شناخت مخاطرات - کنترل ریسکها
۳. تعریف اهداف - گسترش برنامهها
۴. اطمینان از نظام ایمنی و بهداشت - سازماندهی مناسب
۵. اطمینان از ایمنی و بهداشت ماشین ها، تجهیزات و محل کار
۶. بهبود صلاحیت ها - گسترش توانایی ها
۷. سرمایه گذاری روی نیروی کار - انگیزش با مشارکت نیروی کار



پیش زمینه کمپین فوق این دغدغه است که بنا به تخمین ها، سالانه حدود سه میلیون نفر در سراسر جهان بر اثر حوادث و بیماریهای شغلی می میرند. یعنی چیزی حدود ۷۵۰۰ نفر در هر روز. همچنین حدود ۳۷۵ میلیون نفر در معرض حوادث غیر مرگبار ناشی از کار هستند.^۱ علاوه بر این مخاطرات شغلی جدید مرتبط با جهانی شدن و تغییرات در محل کار روبه افزایش است. موجهای مهاجرتی فزاینده، تغییرات جمعیتی و تغییرات منجر به ظهور اشتغال بی ضابطه چالش های جدیدی را برای موضوع پیشگیری ایجاد کرده اند. ایسا در گزارش خود می افزاید تکنولوژی های نوین و الگوهای کاری جدید و معضلات ناشی از ریسک های روانشناختی و استرس مربوط به کار بر زندگی و سلامت کارگران

1. https://www.issa.int/en_GB/-/vision-zero-social-security-and-prevention-go-hand-in-hand

تأثیر منفی می‌گذارد و پیچیدگی پیشگیری را حتی بیشتر می‌کند. این روندهای جهانی نیاز به اقدامات پیشگیرانه جدید و فراگیرتر دارد. این گزارش همچنین می‌افزاید که بیماری‌ها و حوادث ناشی از شغل منجر به صدمات غیرقابل قبول به کارگران در معرض خطر و خانواده آنها می‌شود و در کل تأثیر منفی عظیمی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع می‌گذارد. طبق این گزارش هر سال ۴ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورها به خاطر صدمات ناشی از کار هدر می‌رود.

سرمایه‌گذاری دولتها در اقدامات پیشگیرانه منجر به کاهش چشمگیر حوادث و بیماری‌های ناشی از کار می‌شود. علاوه بر ملاحظات اخلاقی و سرمایه‌گذاری بیشتر در حوزه پیشگیری، به لحاظ اقتصادی نیز معنادار و به صرفه است. مطالعه‌ای که این اتحادیه روی اقتصادهای توسعه یافته و نوظهور انجام داده است، نشان می‌دهد که متغیر افزایش سرمایه‌گذاری، تأثیرات بسیار مثبتی در تحقق توسعه دارد. علاوه بر این اقدامات پیشگیرانه برای حوادث و بیماری‌های شغلی نه تنها به نفع نظام‌های بیمه‌ای و کاهش صدمات ناشی از کار است، بلکه به دیگر طرح‌های تأمین اجتماعی نظیر نظام‌های مستمری و مراقبت و بهداشت عمومی نیز نفع می‌رساند.

ایسا در نهایت در گزارش جدید خود تأکید می‌کند که ارتقای ایمنی، بهداشت رفاه کارگران، عاملی مهم برای ثبات طرح‌های تأمین اجتماعی است. نهادهای تأمین اجتماعی می‌توانند از طریق کمک به تأمین محیط کار سالم و ایمن تأثیر مفیدی بر تلاش‌های پیشگیرانه داشته باشند. کمپین «ویژن زیرو» اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی در یک سالگی توانسته حدود ۲۵۰۰ شرکت، سازمان و نهاد تأمین اجتماعی را در سراسر جهان به خود متعهد کند.

قطر: حق جابجایی برای کارگران مهاجر



در سال‌های اخیر گزارش‌ها و اخبار متعددی در خصوص وضعیت نامناسب کارگران در قطر منتشر شد.

این گزارش‌ها نشان می‌داد که کارگران در قطر (که اکثر مهاجرانی از کشورهای دیگر هستند نه تنها از بسیاری از خدمات قانونی از جمله بیمه و مستمری‌ها برخوردار نیستند) حتی حق خروج از کمپ‌های در نظر گرفته شده برای کارگران مهاجر را ندارند.



اما در ماه سپتامبر ۲۰۱۸ یکی از اتفاقات مهم در حوزه کار و تأمین اجتماعی آن بود که با فشار رسانه‌ها و نهادهای بین‌المللی در نهایت این کشور پذیرفته است که کارگران مهاجر از حق جابه‌جایی برخوردار شوند.

هرچند طبق قانون جدید کارفرمایان هنوز می‌توانند نزدیک به پنج درصد کارگران را با رضایت قبلی خود آن‌ها و امضای فرم «گواهی عدم اعتراض» از هرگونه جابه‌جایی منع کنند. پیش از این کارگران در قطر شماره‌ای را داشتند که در اصطلاح به آن «کد کارگری» می‌گفتند. این کد برای کارگران مهاجر (که اکثریت قریب به اتفاق کارگران در قطر هستند) تعریف شده بود. بر اساس این کد، کارگران به سختی حق خروج از این کشور و جابه‌جایی را داشتند.



اما قانون جدید که در ۴ سپتامبر اجرا شده است، این محدودیت حرکت را برای کارگران مهاجر لغو می‌کند.^۱

از این جهت تحلیلگران بر این عقیده‌اند که



قانون جدید یک گام مهم در جهت دستیابی کارگران مهاجر به حقوق اولیه انسانی و کاری در قطر است.

قانون جدید در اصل شماره ۱۳ اقدامات و مصوبات اصل شماره ۲۱ قانون سال ۲۰۱۵ و قانون و اصل ۱ قانون سال ۲۰۱۷ را اصلاح می‌کند. طبق قانون

1. <https://www.theguardian.com/global-development/2018/sep/06/qatar-law-change-milestone-migrant-workers-world-cup-2022-exit-permits>

قبلی، ورود و خروج کارگران توسط این کشور شدیداً کنترل می‌شد یعنی همه کارگران مهاجر برای خروج از کشور لازم بود از کارفرمایشان مجوز خروج بگیرند. در قانون جدید کارگران مهاجر برای خروج از این کشور لازم نیست از کارفرمایشان اجازه یا مجوز خروج بگیرند. پیش‌بینی می‌شود که این قانونگذاری جدید اثرات کم و بیش مثبتی روی وضعیت کارگران در قطر خواهد داشت. لازم به ذکر است که بیشتر این کارگران در ایجاد زیرساخت‌های لازم برای جام جهانی ۲۰۲۲ قطر مشغول به کار بودند. این یک نقطه عطف خوب در جهت بازیابی حقوق کارگران مهاجر در قطر است.



با این حال این تغییرات تأثیر چندانی بر کارگران مهاجر شاغل در کارهای خانگی ندارد چرا که این کارگران همچنان از شمول این قانون خارج هستند. کارگران مهاجر شاغل در کارهای خانگی در قطر جمعیتی بالغ بر ۱۷۴۰۰۰ نفر هستند.

مطابق گزارش سازمان عفو بین‌الملل در سال ۲۰۱۴، این کارگران خدمات خانگی به شدت آسیب پذیر، با ساعات کار طولانی و محدودیت‌های شدید برای جابه‌جایی هستند و نیز اغلب مورد سواستفاده فیزیکی و جنسی قرار می‌گیرند.

بیش از نیمی از کارگران زن در قطر از جمله کارگران مهاجر شاغل در خدمات و کار خانگی هستند.



در مجموع حدود دو میلیون کارگر مهاجر در قطر مشغول به کار هستند که بیش از ۹۰ درصد کل جمعیت این کشور است.

اکثر این کارگران از جنوب و جنوب شرق آسیا شامل نپال، پاکستان، فیلیپین و بنگلادش برای کار به این کشور آمده‌اند.

این کارگران بعضاً برای ماه‌ها حقوق نمی‌گیرند، حق نوشیدن آزادانه حتی آب آشامیدنی در گرمای شدید هوای قطر را در هنگام کار ندارند و گذرنامه آنها به طور معمول توقیف می‌شود.

اگرچه تغییر اخیر گام مثبتی است اما وضعیت کارگران در قطر آنقدر وخیم است که باید اصلاحات بسیار وسیع تری در جهت بازبایی حقوق کارگران صورت گیرد که شامل همه کارگران باشد.

رکود هفت کشور نوظهور: تداوم اعمال سیاست‌های ریاضتی نولیبرالی

در ماه سپتامبر هفت کشور بزرگ اقتصاد جهانی که در طول سال‌های گذشته اقتصاد رو به رشدی داشتند، دچار بحران‌های متعددی شدند که آنها را وادار به حرکت به سوی وام گرفتن از صندوق بین‌المللی پول (IMF) برای نجات از بحرانهای مالی خود کرد.

در نمونه نخست آرژانتین اعلام کرد که درخواست وام ۵۰ میلیارد دلاری از این صندوق کرده است که بیشترین درخواست وام در تاریخ این نهاد است. این اتفاق در کنار بحران لیره ترکیه، تداوم رکود در آفریقای جنوبی و نیز پیش‌بینی‌های تیره و تار از اقتصاد فیلیپین، اندونزی و مکزیک قرار می‌گیرد. اوضاع وقتی بدتر می‌شود که بدانیم در این ماه

ایالات متحده تعرفه ۲۵ درصدی یعنی چیزی بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار روی کالاهای وارداتی چینی به این کشور بست.

با ادامه این مسیر از سوی آمریکا چین تهدید به تلافی کرده و همین موضوع دونالد ترامپ را به اجرای این سیاستش بیشتر تحریک کرده است. لازم است بدانیم که این سیاست متقابل ممکن است به تعرفه گذاری روی ۵۰۰ میلیارد دلار کالای چینی ختم شود که هر سال وارد آمریکا می‌شود.



در چنین بستری بازار سهام بسیاری از کشورهای در حال توسعه رو به سقوط نهاده است.

سرمایه گذران این کشورها از خود می‌پرسند آیا آنها شاهد چیزی همچون سقوط سال ۱۹۹۷ در بازارهای آسیایی خواهند بود. وحشتی که تأمین مالی بسیاری از صندوق‌های را به خطر انداخت و در نهایت پیش‌درآمدی بر سقوط اقتصادهای موسوم به دات کام (وابسته به اینترنت) در سال ۱۹۹۹ و امتداد آن در بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ شد. آنچه سرمایه گذاران را آشفته کرده است سقوط ۲۰ درصدی ارزش سهام اقتصادهای نوظهور از شروع سال جدید است. این سقوط جدیداً با بحران اقتصاد ترکیه در خاورمیانه و آرژانتین در آمریکای جنوبی آشکار شده است.



با این حال اتفاق جالبی در حال وقوع است: از یکسو اقتصاد آمریکا با افزایش نرخ بهره رو به رشد حرکت می‌کند اما همین سیاست پول رایج در نیز بازارهای سهام در اقتصادهای نوظهور را به سقوط می‌کشاند.

برای نمونه بهتر است به تفکیک به وضعیت این کشورها در ماه سپتامبر نگاهی بیندازیم.

آرژانتین: صعود نرخ بهره

بانک مرکزی آرژانتین در ماه سپتامبر نرخ بهره را ۶۰ درصد افزایش داد در مقابل سقوط ارزی بتواند سرپا باقی بماند. اما این کار نیز سرمایه گذاران در این کشور را تسکین نداد. بنابراین دولت این کشور شروع به اجرای اقدامات ریاضتی نولیبرالی در حوزه رفاهی و حقوق کارگران کرده است تا بتواند اطمینان این سرمایه گذاران را برای افزایش سودشان به دست آورد. بحران ارزی جدید این کشور، کل اقتصاد را در رکود فرو برده است. در نهایت و همزمان با سیاستهای نولیبرالی در داخل، دولت این کشور از صندوق بین‌المللی پول درخواست وامی هنگفت و اضطراری به مبلغ ۵۰ میلیارد دلار کرده است تا

بتواند بخش‌های مالی این کشور را تقویت کند. نیکلاس دیخونه، وزیر اقتصاد این کشور گفته است که اقدامات ریاضتی نولیبرالی و افزایش دریافت مالیات بر صادرات به اقتصاد این کشور مجال خواهد داد تا به بودجه‌ای متعادل در سال آینده برسد و از کسری بودجه قابل ملاحظه‌هایی یابد.

آفریقای جنوبی: رکود فراگیر

دولت و اقتصاد این کشور نیز در ماه سپتامبر به شکل غیرمنتظره‌ای به رکودی فراگیر دچار شده است به طوری که تولید ناخالص داخلی آن نزدیک به هفت دهم درصد کاهش یافته است و مجبور است دست به سیاستهای فروش اموال عمومی به ثمن بخش بزند. این رقم بیشترین سقوط تولید ناخالص داخلی این کشور در سه سال گذشته است. سیریل رامپوزا، رئیس‌جمهور این کشور امسال جایگزین جاکوب زوما در این مقام شد. در ابتدا گردبادی از خوشبینی در خصوص صعود اقتصادی این کشور ایجاد کرد. اما رامپوزا در خصوص بحران اقتصاد این کشور اعلام کرده است که این رکود یک مسئله مربوط به دوران انتقالی است و به زودی این کشور از این دوران عبور خواهد کرد^۱. با این حال تحلیلگران این خوشبینی را ندارند. نرخ بیکاری در این کشور بیش از ۲۷ درصد است و همچنان روندی رو به افزایش دارد و پیش بینی می‌شود اعتراضاتی را در این کشور به خصوص از سوی جوانان و نیروهای کار در مقابل این وضع اقتصادی برانگیزد.

ترکیه: تداوم بحران و وسوسه استقراض

بحران آشکار اقتصاد ترکیه در ماه سپتامبر نیز تداوم پیدا کرد. رکود همچنان گسترده است و تورم نیز نرخ صعودی خود را طی می‌کند. پول رایج این کشور یعنی لیر نیز یک رکورد را در تاریخ از نظر سقوط ارزش، ثبت کرده و این کشور را به سوی استقراض هل می‌دهد. رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور این کشور همچنان به این اوضاع بی‌اعتناست و صرفاً سرمایه‌گذاران خارجی را متهم می‌کند که جنگ اقتصادی علیه این کشور به راه انداخته‌اند. از سوی دیگر دونالد ترامپ نیز روی واردات صنایع فولادی از این کشور

1. <https://www.reuters.com/article/safrica-economy/south-african-recession-is-transitional-issue-ramaphosa-idUSL5N1VS162>

تعرفه ای سنگین بسته است که در ادامه مشاجره بر سر بازداشت اندرو برونسون، کشیش آمریکایی بازداشت شده به جرم جاسوسی در ترکیه است. ترکیه خواهان حمایت اضطراری از جانب صندوق بین المللی پول در قالب وام شده است. از سوی دیگر ترکیه تحت فشار شدید است که نرخ‌های بهره را افزایش دهد. هرچند اردوغان تاکنون مقاومت کرده است.

چین: ازدهای بدهکار

در سپتامبر سطوح بالای بدهی‌های شرکتها در چین، هراس‌های جهانی را در خصوص اقتصاد این کشور و توانایی آن برای بازپرداخت بدهی‌ها و حفظ رشد اقتصادی، افزایش داده است. تصویر اقتصاد این کشور وقتی پیچیده‌تر می‌شود که بدانیم دونالد ترامپ تعرفه ۲۰۰ میلیارد دلاری را بر روی کالاهای وارداتی از چین بسته است. سرمایه‌گذاران در این کشور در خصوص تشدید جنگ تجاری نگران‌اند چون این جنگ می‌تواند رشد اقتصاد جهانی را کندتر کند. چین امروز یک نقش‌آفرین کلیدی در اقتصاد جهانی است. ارزش یوان در سال جاری نسبت به دلار کاهش یافته است که این موضوع می‌تواند تا حدی تاثیر تعرفه روی صادرکنندگان کالاهای چینی را کمتر کند و کالای آنها را رقابتی‌تر کند.

اندونزی: پاییز پول ملی

در ماه سپتامبر بانک مرکزی اندونزی اعلام کرد که مجبور است نرخ بهره را افزایش دهد تا ارزش پول ملی اش را تا حدی نگه دارد. رویه اندونزی در کمترین ارزش خود در ۲۰ سال اخیر است^۱. این امر ناشی از میزان بدهی‌ها و نیز افزایش تعداد سرمایه‌گذاران در برابر اقتصادهای نوظهور است. اندونزی بالاترین میزان بدهی را در مقابل بستانکاران خارجی در کل کشورهای آسیایی دارد یعنی رقمی بالغ بر ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) این کشور. اگرچه تورم در این کشور تاکنون کم و بیش تحت کنترل بوده است، اما بانک مرکزی احتمالاً ترجیح می‌دهد نرخ‌های بهره را کاهش دهد تا اقتصاد در حال رکود را تحریک کند اما هراس از سقوط پول رایج

1. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2018-09-05/bank-indonesia-chief-signals-rate-hike-as-rupiah-rout-worsens>

این کشور موجب شده است تا این بانک همچنان نرخ‌های بهره را بالا نگه‌دارد. اگر این چشم‌انداز در ادامه بدتر و وخیم‌تر شود، کم‌کم کشورهای همسایه این کشور از قبیل کره جنوبی، هند و فیلیپین نیز مجبور خواهند شد چنین سیاستی را در پیش گیرند.

مکزیک: شوک ترامپی اقتصاد

تشدید تعرفه‌های ترامپ روی صنایع فولادی و نیز تهدید او مبنی بر مجبور کردن شرکت‌های آمریکایی برای بازگرداندن سرمایه تولیداتی که در مرز جنوبی با مکزیک سرمایه‌گذاری کرده‌اند، همچون ابری سیاه بر اقتصاد مکزیک سایه انداخته و فشارها بر اقتصاد این کشور را تشدید کرده‌است. ادامه قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) به سود این کشور خواهد بود. اگرچه توافق اولیه جدیدی با ترامپ صورت گرفته است اما هنوز نتیجه نهایی مشخص نیست و مذاکرات با کانادا نیز در دست انجام است.

هند: تورم رو به تصاعد

در همین ماه، در کشور هند نیز روپیه در پایین‌ترین میزان ارزش خود در برابر دلار قرار گرفت. این امر نگرانی‌ها از سیاست حمایت‌گرایانه و بسته‌ایالات متحده و افزایش نرخ بهره در این کشور را تشدید کرده است. در این ماه تورم افسارگسیخته در این کشور منجر به تظاهرات مردم علیه افزایش قیمت‌ها شد. نرخ تورم در هند در سه ماه گذشته بیش از ۸ درصد بوده است^۱. کسری بودجه در ماه ژوئیه به حدود ۱۸ میلیون دلار رسید. دلیل اصلی این اتفاق میزان بالای واردات سوخت در این کشور و نیز افزایش قیمت جهانی نفت بود. اقتصاددانان دولت هند همچنان در خصوص بازیابی قدرت پول این کشور خوش‌بین هستند اما دیگر تحلیلگران نسبت به تدام کندی رشد اقتصادی هشدار می‌دهند.

1. <https://economictimes.indiatimes.com/news/economy/policy/8-2-gdp-growth-an-outcome-of-reforms-taken-by-govtcii/articleshow/65670607.cms>

گزارش ILO درباره نظام مستمری‌ها: خصوصی‌سازی ممنوع!

در اواخر سپتامبر سازمان بین‌المللی کار (ILO) گزارشی را درباره وضعیت مزایای پرداختی و پوشش مستمری‌ها توسط نهادهای تأمین اجتماعی و سازمان‌های حمایتی نیروهای کار در سطح جهان منتشر کرد.



طبق این گزارش ۶۸ درصد افراد سالمند تحت پوشش در سراسر جهان نوعی از مستمری را دریافت می‌کنند اما هنوز سطوح مزایای دریافتی ناکافی است. این گزارش که با نام «حمایت اجتماعی برای سالمندان: آمار و روندهای سیاستگذاری کلیدی سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹» منتشر شده است.

نشان می‌دهد که پیشرفت چشمگیری در زمینه گسترش پوشش نظام‌های مستمری در کشورهای در حال توسعه رخ داده است. اکثر این کشورها به پوششی عام و فراگیر از طریق ترکیبی از بیمه‌های اجتماعی (که مزایای بالاتری را فراهم می‌کنند) و مساعدت‌های اجتماعی اساسی دست یافته‌اند.



مهمترین کشورهای در حال توسعه که به پوششی عام و فراگیر دست یافته‌اند شامل این کشورها هستند: آرژانتین، بلاروس، سوئیس، بولیوی، بوتسوانا، ساحل عاج، چین، گرجستان، قرقیزستان، لسوتو، مالدیو، موریتانی، مغولستان، نامیبیا، سیشل، آفریقای جنوبی، تیمور شرقی، ترینیداد و توباگو، تانزانیا، اوکراین، ازبکستان. کشورهای دیگری از قبیل ارمنستان، آذربایجان، برزیل، شیلی، قزاقستان، تایلند و اوروگوئه نزدیک به دستیابی به هدف پوشش عام و فراگیر هستند.

با این حال، طبق گزارش جدید سازمان بین‌المللی کار، حق برخورداری از حمایت اجتماعی برای سالمندان هنوز برای اکثر مردم و کارگران در کشورهای کم‌درآمد جهان به یک واقعیت تبدیل نشده است.



ILO می‌گوید کمتر از ۲۰ درصد افرادی که به سن قانونی بازنشستگی در اکثر این کشورها رسیده‌اند، مستمری دریافت می‌کنند.

در این کشورها سهم مهمی از هزینه‌های افراد سالخورده بر حمایت خانواده آنها است. استانداردهای ILO و دستورالعمل سازمان ملل متحد به خصوص در بند مربوط به هدف توسعه (۳,۱) خواهان اجرای نظام‌های حمایت اجتماعی سراسری برای همه زنان و مردان سالمند است. ایزآبل اورتیز، مدیر دپارتمان حمایت اجتماعی ILO می‌گوید: «گزارش ما، درخواستی است برای دستیابی به این هدف مهم.»

در کشورهای با درآمد بالا که دارای نظام‌های کامل حمایت اجتماعی برای جمعیت سالمند، مهمترین معضل حفظ تعادل بین ثبات مالی مستمری‌های دارای کفایت و نظام‌های مستمری است. ایزآبل اورتیز، مدیر دپارتمان حمایت اجتماعی ILO در این خصوص می‌گوید:



«سیاست‌های ریاضتی و ثبات مالی روی کفایت مزایای مستمری‌های تاثیر گذاشته‌اند. در بسیاری از این کشورها، این اصلاحات با هدف مالی انجام شده‌اند، بدون آنکه به حد کافی اثرات اجتماعی منفی این اصلاحات را در نظر بگیرند، این اصلاحات اجرای حداقل استانداردهای تأمین اجتماعی را به خطر انداخته و قرارداد اجتماعی را از بین برده‌اند. در نتیجه، فقر سالمندان در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) روبه افزایش است.»

این گزارش از کشورهای جهان می‌خواهد تا اصلاحات نظام‌های تأمین اجتماعی را به شیوه متعادلی طراحی و از انجام سیاست‌های ریاضتی دوری کنند. فابیو دوران والورده، رئیس خدمات آماری، اکچوئری و تأمین مالی عمومی سازمان بین‌المللی کار می‌گوید:



«کشورهایی که اقدام به اصلاح نظام‌های مستمری می‌کنند، لازم است تعادلی بهینه بین اهداف برقراری ثبات و پرداخت مزایای مستمری‌ها را برای نیل به هدف نظام‌های مستمری بیابند.»

نگاهی به نظام‌های مستمری در سراسر جهان نشان می‌دهد که



طرح‌های عمومی بر پایه همبستگی و تأمین مالی جمعی گسترده‌ترین و موثرترین شکل حمایت دوران سالمندی در سطح جهانی است. گزارش ILO می‌افزاید: سیاست‌های خصوصی‌سازی نظام‌های مستمری که در ۳۰ کشور مختلف جهان اجرا شده است به نتایج مورد انتظار دست نیافته است.^۱ در اثر اجرای این سیاست‌ها نه مزایای افزایش یافته‌اند و نه سطح پوشش.

از سوی دیگر در پی این سیاست‌های خصوصی‌سازی نابرابری جنسیتی و شرایط مالی این نظام‌ها بسیار وخیم‌تر و بدتر شده است.



در حالی که مخاطرات این نظام جدید، نیز به افراد، منتقل و تحمیل شده است. در نتیجه اکثر کشورها در حال انصراف و بازگشت از سیاست‌های خصوصی‌سازی هستند و در حال بازگشت به نظام‌های مبتنی بر همبستگی عمومی هستند.

اورتیز، مدیر دپارتمان حمایت اجتماعی ILO در این باره می‌گوید:



«خصوصی‌سازی نظام‌های مستمری وعده‌های بسیاری می‌دهد از جمله سطوح مزایای دریافتی بالاتر، گسترش دامنه پوشش و کاهش هزینه‌های مالی. اما طرح‌های خصوصی‌شده به طور گسترده ناکارآمد هستند. به همین دلیل کشورها در حال بازگشت به نظام‌های عمومی و جمعی هستند.»

1. https://www.ilo.org/global/about-the-ilo/newsroom/news/WCMS_645740/lang--en/index.htm



پرونده ویژه

تابستان داغ بازنشستگان: چماق یا هویج نئولیبرالیسم پوتینی
اعتراضات مردم روسیه به اصلاحات نظام‌های بازنشستگی

مقدمه

در ماه سپتامبر سال ۲۰۱۸ کشور روسیه آبستن تظاهراتی فراگیر بود. این تظاهرات مردمی که در اکثر شهرهای روسیه به وقوع پیوست، در اعتراض به قانون جدید نظام بازنشستگی روسیه رخ داد. اگرچه تظاهرات از چندماه پیش و در زمان جام جهانی فوتبال در روسیه آغاز شده بود اما در ماه سپتامبر به یک اعتراض مردمی فراگیر و عمومی تبدیل شد. تحول نظام بازنشستگی و مستمری‌ها در روسیه و نیز تظاهرات مردمی گسترده علیه آن یکی از اتفاقات مهم ماه سپتامبر بود. در این نوشته،



ما در ابتدا تصویری کلی از وضعیت اقتصادی روسیه ارائه می‌دهیم. سپس به تحلیل روند وسیر اعتراضات خواهیم پرداخت. در ادامه سعی خواهیم کرد براساس بررسی قانون جدید افزایش سن بازنشستگی روسیه، تحلیلی از دلایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی وقوع این تحول و نیز پیامدهای نامناسب اجتماعی و اقتصادی آن برای مردم این کشور ارائه دهیم.

در نهایت نیز برای ارائه‌ی تحلیلی دقیق‌تر، مقاله‌ای با عنوان



«از رکود به تعدیل: سه مرحله در تحول نظام مستمری در روسیه» نوشته النا مالتسوا استاد دانشگاه ویندسور کانادا در تحلیل اجتماعی و سیاسی این واقعه ضمیمه و ترجمه شده است تا زمینه ساختاری و تاریخی این اتفاق برای ما روشن‌تر شود.



**وضعیت اقتصادی مردم کشور روسیه در دوران حاکمیت ولادیمیر پوتین
هرسال بدتر از سال قبل شده است.**

طبق گزارش‌های رسمی، میزان فقر مردم در این کشور به خاطر رکود اقتصادی در ۱۰ سال اخیر به بالاترین نرخ خود رسیده است. طبق آخرین آمارهای دولتی در سال ۲۰۱۶،



**نزدیک به ۲۰ میلیون نفر از مردم روسیه هم اکنون با دستمزدهایی زیر خط
فقر زندگی می‌کنند.^۱**

چیزی بیش از ۱۸ میلیون نفر از مردم روسیه یعنی بیش از ۱۳ درصد کل جمعیت این کشور تنها با میزان درآمد کمتر از ۱۳۹ دلار در ماه زندگی می‌کنند. این میزان، معیار حداقل معیشت است که توسط دولت روسیه تعیین شده است.



**اگر این آمارها را با سال ۲۰۱۴ مقایسه کنیم می‌بینیم که میزان افراد زیر
خطر فقر هر سال در حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است.**

همچنین اکثر مردم روسیه به دلیل تحریم‌های غرب و قیمت پایین نفت که اقتصاد وابسته این کشور بخش انرژی را نشانه گرفته است، هر روز در معرض فقر بیشتر قرار می‌گیرند و قدرت خرید آنها کاهش می‌یابد. باید توجه داشته باشیم که در دهه نخست ریاست جمهوری پوتین بر روسیه سطح درآمد و ثروت ملی این کشور و متاثر از آن میزان فقر به شکل نسبی کاهش یافته بود. میزان درآمد روسیه از بخش انرژی در این سال‌ها در حدود ۴ درصد کاهش یافته است و این موضوع بر میزان فقر و بر خورداری مردم از رفاه در روسیه تأثیر منفی می‌گذارد. بانک جهانی نیز نسبت به افزایش میزان فقر و در نتیجه سقوط اقتصادی در این کشور هشدار داده است.

1. <https://www.theguardian.com/world/2016/mar/22/millions-more-russians-living-in-poverty-as-economic-crisis-bites>

این موضوع بیش از همه، افراد مستمری‌بگیر را تحت تاثیر قرار خواهد داد. میزان دستمزد واقعی کارگران روسیه در سال ۲۰۱۶ نسبت به مدت مشابه در سال قبل حدود ۷ درصد کاهش نشان می‌دهد. این موضوع حتی بازتولید نسلی مردم روسیه را نیز به خطر انداخته است. مطابق آمارها جمعیت روسیه در امسال نسبت به سال قبل حدود ۱۶۴ هزار نفر کاهش یافته است. همچنین پیشبینی می‌شد که رشد اقتصادی چندانی در روسیه در سال ۲۰۱۸ رخ نخواهد داد. به هر حال به نظر می‌رسد افزایش میزان فقر به عنوان پیش‌زمینه جامعه روسیه در ۱۰ سال اخیر به دلیل درگیری این کشور با بحران اقتصادی قابل درک است. اما این بحران اقتصادی در اواخر تابستان امسال در روسیه به نقطه سرریز اعتراضی رسید.

پیدایش اعتراضات

اعتراضات گسترده مردمی به اصلاحات صندوق‌های مستمری بازنشستگی روسیه در اوایل سپتامبر آغاز شد. این اصلاحات با لایحه دولت ولادیمیر پوتین و با تصویب پارلمان روسیه (دوما) در اواخر سپتامبر به اجرا گذشته شد. این لایحه تا سال ۲۰۲۸ برای مردان و تا سال ۲۰۳۴ برای زنان به طور کامل به اجرا در خواهد آمد.^۱



در اواخر ماه آگوست ولادیمیر پوتین اعلام کرد که مردم روسیه باید افزایش سن بازنشستگی را بپذیرند و حتی از آن حمایت کنند. او با توریکی همیشگی‌اش گفت اگر مردم این اصلاحات را نپذیرند با فروپاشی اقتصاد و ابرتورم روبرو خواهند شد و امنیت ملی به خطر خواهد افتاد.

اما اجرای این طرح و نیز تهدید پوتین، مردم را به واکنش برانگیخت.



طبق نظرسنجی‌ها بیش از ۹۰ درصد مردم روسیه با اصلاحات در صندوق‌های بازنشستگی که مهم‌ترین بخش آن شامل افزایش سن بازنشستگی است، مخالف هستند.

1. <https://www.telesurtv.net/english/news/Russia-Protests-Pension-Reform-Putin-Doesnt-Like-It-Either-20180730-0020.html>

این اعتراضات در همان مراحل نخست در ژوئن و در روز افتتاحیه جام جهانی ۲۰۱۸ کلید خورد. با این حال در سپتامبر اعتراضات به اوج خود رسید و فراگیر شد. طبق برنامه اصلاحات بازنشستگی دولت پوتین،



از این پس سن بازنشستگی برای زنان از ۵۵ سال به ۶۰ سال افزایش خواهد یافت (این رقم در طرح پیش ۶۳ سال بود که دولت به خاطر اعتراضات در یک عقب نشینی ناچیز و عوام‌فریبانه آن را به ۶۰ سال کاهش داد). همچنین سن بازنشستگی برای مردان نیز در این برنامه جدید از ۶۰ سال به ۶۵ سال افزایش یافته است.

این اقدامات پوتین برخلاف وعده‌های او در سال ۲۰۰۵ مبنی بر عدم دستکاری و افزایش سن بازنشستگی بود. او تنها توجیهی که برای این خلف وعده آورد توسل به «مشکلات جدی جمعیت‌شناختی» بود. همه اینها بدان معنی بود که هیچ بدیل دیگری جز افزایش سن بازنشستگی وجود ندارد. اما در جریان اعتراضات علیه این قانون، تقریباً سه میلیون نفر طوماری را علیه لایحه افزایش سن بازنشستگی امضا کردند که توسط مرکز اتحادیه‌های کارگری مستقل روسیه یعنی کنفدراسیون کارگری روسیه (KTR) تهیه شده بود. در بیش از ۱۰۰ نقطه روسیه مردم به خیابان‌ها ریختند و خواستار لغو این قانون جدید شدند. لازم است بدانیم که آنتون دروزوف، رئیس صندوق مستمری روسیه و یکی از مبدعان این قانون جدید، یک سرمایه‌دار بزرگ و مافیایی در روسیه است که از طرف مردم و مخالفان به اختلاس متهم است. دروزوف یک میلیونر مشهور است که بیشتر سرمایه او در املاک و مستغلات است. در جریان تظاهرات الکس ناوانلی یکی از رهبران مخالفان در فراخوانی از مردم خواست تا علیه این قانون افزایش بازنشستگی به خیابان بریزند و این فراخوان بسیار موثر بود. ناوانلی موسس بنیاد ضدفساد (FBK) در روسیه است و چندین بار تاکنون بازداشت و زندانی شده است. با این حال، فراخوان برای تظاهرات تقریباً تمامی احزاب و جریانات سیاسی را در داخل روسیه در بر می‌گرفت. از احزاب راستگرا تا لیبرال تا احزاب چپگرا. فراخوان ناوانلی که در روز ۹ سپتامبر بود نتیجه خود را در انتخابات منطقه‌ای و محلی روسیه نشان داد که در آن حزب

طرفدار کرملین یعنی «روسیه متحد» حمایت قابل ملاحظه‌ای را در میان رای دهندگان از دست داد و احزاب چپ قویترین گروه را در روسیه تشکیل دادند. این موضوع یک زلزله سیاسی در معیارهای جامعه روسیه بود. از سال ۲۰۰۷ تاکنون حزب روسیه متحد چنین شکستی را در هیچ انتخاباتی نخورده بود.



به هر حال طرح جدید بازنشستگی، اعتراضات میلیونی مردم را علیه اجرای این طرح برانگیخت. طی تظاهرات ماه سپتامبر پلیس حدود ۱۱۰۰ نفر را بازداشت کرد.

شعار اصلی تظاهرکنندگان که به شکل آرام برگزار شد این بود: «پوتین، دزد است» و «سن بازنشستگی را افزایش ندهید». همچنین تقریباً همه احزاب اعم از احزاب راست تا چپ به رهبری حزب کمونیست با این اصلاحات بازنشستگی مخالفت خود را اعلام کردند و در تظاهرات شرکت جستند. تحلیلگران بر این باورند که برنامه دولت روسیه در جهت افزایش سن بازنشستگی بخشی از تهاجم عمومی دولت در سالیان اخیر به حقوق عمومی مردم و طبقات مولد در روسیه است.

وضعیت بازنشستگان و کارگران

باید توجه کرد که اولین نظام‌های بازنشستگی در روسیه در دوره شوروی توسط استالین ایجاد شد. با این حال برای سال‌های مدید نظام مستمری روسیه از کمبودها و نواقص متعددی در تأمین مستمری‌ها و مزایای بیمه‌پردازان رنج میبرد. هم اکنون میانگین پرداختی حقوق بازنشستگی در روسیه فقط در حدود ۱۵۴ پوند در هر ماه است و این رقم موجب می‌شود که میلیون‌ها نفر از مردم روسیه بدون خویشاوندان خود و کمک آنها نتوانند زندگی کنند. ماجرای بحران صندوق‌های بازنشستگی در روسیه ابعاد گسترده تری دارد. طبق برآوردها پیش بینی می‌شود که در سال ۲۰۴۴ تعداد افراد مستمری بگیر در روسیه با افراد مشغول به کار برابر شود و این موضوع طبق پیش بینی‌های دولتی، فشار زیادی را روی بودجه ملی این کشور قرار خواهد داد. نکته جالب

در این اصلاحات بازنشستگی آن است که این اصلاحات شامل نهادهای امنیتی دولت و نیز نیروهای پلیس نخواهد شد. این تصمیم تبعیض آمیز و بحث برانگیز موجب شد که خشم بیشتر مردم و کارگران در روسیه برانگیخته شود. به هر حال از مدتها پیش معلوم بود که این طرح دولت در میان مردم و افکار عمومی منفور است چرا که بسیاری از مردم و نیروهای کار در روسیه نگران اند که با این افزایش سن بازنشستگی در عمرشان هرگز دریافت مستمری ها را به چشم نبینند. در حالی که متوسط امید به زندگی در کشور افزایش یافته است اما این رقم برای کارگران و به خصوص برای مردان رو به کاهش است. لازم است بدانیم که متوسط امید به زندگی در روسیه ۶۶ سال است، در حالی که این رقم در اروپا ۷۹ سال است.^۱ این موضوع نشان می‌دهد که دغدغه کارگران درباره عدم دریافت مستمری در طول زندگی خود بسیار درست است چون در قانون فعلی سن بازنشستگی برای کارگران مرد ۶۵ سال تعیین شده، حال آنکه متوسط امید به زندگی در کل روسیه ۶۶ سال است. بدیهی است که چون رقم امید به زندگی برای طبقات پایین و کارگر کمتر از متوسط ملی است، بسیاری از نیروهای کار در روسیه از مزایا و مستمری‌های بازنشستگی در کل عمر محروم خواهند بود. طبق گزارش نشریه فایننشیال تایمز در ۴۷ منطقه از ۸۱ منطقه روسیه میزان امید به زندگی مردان و به خصوص مردان کارگر از سن نهایی بازنشستگی بسیار کمتر است.^۲ همچنین درباره زنان نیز باید گفت اگرچه متوسط امید به زندگی زنان ۷۷ سال است اما به دلیل انواع تبعیضات جنسیتی علیه زنان در دستیابی به شغل و نیز در محل کار، آنها نیز عملاً از دریافت مزایا و مستمری‌های بازنشستگی محروم خواهند ماند. همچنین جوانان نیز از افزایش سن بازنشستگی در طرح جدید به شدت خشمگین‌اند چراکه این افزایش موجب می‌شود افراد سالمند دیرتر از مشاغل خود خارج شوند و در نتیجه، فرصت اشتغال برای جوانان نیز بسیار کاهش یابد یا به تأخیری چندساله بیفتد.^۳ نکته جالب تر آنکه حتی این اصلاحات دردناک نیز

1. <https://www.theguardian.com/world/2018/sep/02/thousands-protest-in-russia-against-plans-to-hike-retirement-age>

2. <https://www.ft.com/content/d9a0e3c8-7de4-11e8-bc55-50daf11b720d>

3. <https://www.independent.co.uk/news/world/europe/russia-protests-pension-age-raise-vladimir-putin-retirement-a8550291.html>

از عهده بحران‌های بسیار وسیعی که دولت روسیه با آن رو در روست نخواهد کاست و صرفاً بحران‌ها را از طریق کاهش مزایای طبقه کارگر بر دوش افرادی منتقل خواهد کرد که حتی در سن ۵۰ یا ۶۰ سالگی خود مجبورند برای تأمین نیازهای اولیه خویش کار کنند.

با این تصویر کلی می‌توان گفت، اصلاحات جدید به سه دلیل عمده با نارضایتی و اعتراضات گسترده روبرو شد: نخست اینکه این اصلاحات تأمین اجتماعی بخش گسترده‌ای از مردم بین ۵۵ تا ۶۵ سال را به مخاطره می‌اندازد. دوم اینکه نخبگان سیاسی اجراکننده این اصلاحات شدیداً غرق در فساد و خویشاوندسالاری و در نتیجه فاقد مشروعیت در اجرای این اصلاحاتند. سوم آنکه این اصلاحات برای بسیاری از مردم اهمیت نمادین زیادی دارد چرا که آخرین سنگری است که از گذشته و انقلاب آنها در دوران شوروی برجای مانده است. به این دلایل، این اعتراضات توانست دامنه وسیعی از معترضان و مخالفان را از احزاب رسمی مخالف تا اتحادیه‌های کارگری گرد خود جمع کند.

معضلات عمده

برای فهم بهتر و عقلانی‌تر استدلال نهفته در پس موضع طرفداران اصلاح نظام بازنشستگی روسیه بهتر است نگاهی بیان‌آزیم به



سه معضل عمده که این نظام برای شهروندان ایجاد کرده است: یکی کسری نظام مستمری. دوم تحول جمعیت شناختی و سوم مزایای اندک مستمری‌ها.



مسئله مرکزی نظام مستمری‌های روسیه، کسری مالی صندوق مستمری است که صرفاً می‌تواند یک سوم مستمری بگیران را پوشش دهد و باید سال به سال توسط کمک‌های مالی دولت فدرال تأمین مالی شود

(ر.ک جدول شماره یک). این کمبود به دو دلیل یک معضل اساسی است. از یک طرف تأمین مالی توسط دولت فدرال در تناقض است با این اصل که این صندوق‌ها باید توسط بیمه‌پردازان فعلی تأمین مالی شوند. از سوی دیگر،

کمک‌های دولتی بار زیادی را بر دوش بودجه فدرال گذاشته است. چیزی بیش از یک پنجم بودجه فدرال معطوف است به تأمین همین صندوق‌های مستمری. در دورانی که اقتصاد روسیه به دلیل کاهش قیمت نفت، تحریم‌های غرب و مشکلات ساختاری در رکود است و فشار روی بودجه دولتی زیاد است، لغو این کمک‌ها نخستین هدف اقدامات ریاضتی و نئولیبرالی است. مشکل اساسی دیگر نظام بازنشستگی روسیه، وضعیت جمعیتی این کشور است. جامعه روسیه در حال پیر شدن است و طبق آمارهای سازمان ملل، این روند در دهه‌های آینده ادامه خواهد داشت، حتی اگر با محرک‌های مختلف تمایل به زاد و ولد در روسیه افزایش یابد. از سال ۲۰۱۰ تعداد مستمری‌بگیران در روسیه ۴ میلیون نفر افزایش یافته و همزمان تعداد شاغلین در سه سال اخیر کم شده است. هم اکنون فقط یک و هفت دهم نفر شاغل به ازای هر نفر دریافت‌کننده مستمری وجود دارد. تقریباً ۳۰ درصد مردم روسیه از یک نوع مستمری بازنشستگی استفاده می‌کنند (نک به جدول ۲).

بنابراین فشارهای این پیر شدن روی نظام‌های بازنشستگی سرریز می‌کند. نرخ ورودی‌های این صندوق‌ها نیز پایین است. علاوه بر این سه مشکل اساسی، سطح دریافت مستمری‌ها نیز در روسیه رو به سقوط است.



سطح مستمری‌ها به طور متوسط به حدود یک سوم یا همان ۳۹ درصد دستمزدها کاهش یافته است که در مقایسه با بقیه کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) بسیار پایین است.

به همین دلیل است که در روسیه تقریباً یک چهارم مستمری‌بگیران به ویژه در سال‌های نخست بازنشستگی همچنان به کار کردن ادامه می‌دهند (نک جدول شماره ۲).



برای مستمری‌بگیران جوانتر نیز مستمری‌ها به منزله یک درآمد پایه است و باید از طریق اشتغالی موثر تکمیل شود. همچنین به خصوص مستمری‌بگیران بیکار و غیرفعال نیز در خطر فقر شدید هستند.

	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷
هزینه‌های مستمری سالمندان	۳۷۰۰	۴۰۸۱	۴۵۲۴	۵۲۵۰	۵۴۰۶	۶۲۰۱	۶۰۱۷	۷۱۶۷
درآمدها از حق بیمه‌ها	۱۹۰۰	۲۸۱۵	۳۰۲۶	۳۴۵۹	۳۶۹۴	۳۸۶۴	۴۱۳۲	۴۴۸۲
یارانه‌ها و کمک‌های دولتی	۲۶۴۰	۲۴۰۰	۲۸۰۰	۲۸۴۰	۲۴۱۰	۳۱۰۰	۳۳۵۵	۳۶۷۷
سهم یارانه‌های دولتی در مخارج مستمری سالمندان (به درصد)	۴۸,۶	۳۱	۳۳	۳۴,۱	۳۱,۷	۳۷,۷۹	۳۱,۳	۳۷,۵
سهم یارانه‌ها و کمک‌های دولتی در بودجه فدرال	۲۶	۲۲	۲۲	۲۱	۱۶	۲۰	۲۰	۲۲

جدول شماره (۱) هزینه‌ها و درآمدهای صندوق مستمری فدراسیون روسیه (PRF) از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ (به میلیون روبل)

منبع: گزارش سالیانه صندوق مستمری فدراسیون روسیه (PRF) از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷

	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷
تعداد مستمری‌بگیران (به میلیون)	۳۹,۷	۴۰,۲	۴۰,۶	۴۱,۱	۴۱,۵	۴۲,۷	۴۲,۹	۴۳,۵
تعداد افراد شاغل در سن ۱۵ تا ۷۲ سال (به میلیون)	۶۹,۹	۷۰,۹	۷۱,۵	۷۱,۴	۷۱,۵	۷۲,۳	۷۲,۴	۷۲,۱
تعداد شاغلین به ازای مستمری‌بگیر	۱,۸	۱,۸	۱,۸	۱,۷	۱,۷	۱,۷	۱,۷	۱,۷
تعداد مستمری‌بگیران مشغول به کار (به میلیون)	۱۱,۷	۱۳	۱۳,۷	۱۴,۳	۱۴,۹	۱۵,۳	۹,۹	۹,۷

جدول شماره (۲) آمارهای اصلی مستمری سالمندان در روسیه

منبع: گزارش سالیانه صندوق مستمری فدراسیون روسیه (PRF) از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷

	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷
گسترش مستمری‌های واقعی در قیاس با سال قبلی (به درصد)	۳۴,۸	۱,۲	۴,۹	۲,۸	۰,۹	۳,۸-	۳,۴-	۳,۶
سطح مستمری براساس نسبت متوسط مستمری بر متوسط دستمزد (به درصد)	۳۵,۷	۳۵,۱	۳۳,۹	۳۳,۳	۳۳,۲	۳۵,۲	۳۳,۸	۳۴

ادامه جدول شماره (۲)

منبع: گزارش سالیانه صندوق مستمری فدراسیون روسیه (PRF) از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷

این معضلات نظام‌های مستمری در روسیه در بلندمدت به وجود آمده‌اند. در ۲۰ سال گذشته اقدامات زیادی برای ایجاد ثبات و بهبود این صندوق‌ها صورت گرفته که اهم آنها از این قرار است:

در سال ۱۹۹۰ نظام مستمری روسیه براساس نظام مستمری عمومی یا همان توازن هزینه-درآمد (PAYG) تاسیس شد.

در سال ۲۰۰۲ نظام مستمری عمومی به نظامی شامل طرح‌های مستمری اختیاری با حمایت دولت و اجباری توسعه و تحول یافت.

از سال ۲۰۱۵ طرح نظام‌های مستمری با تأمین مالی معلق شد تا از حق بیمه‌ها برای تأمین مالی نظام مستمری عمومی استفاده کند.

در سال ۲۰۱۵ فرمول مستمری جدید ارائه شد که سال‌های زندگی کاری، سطح دستمزد و سن بازنشستگی را در نظر می‌گرفت و نظام اولیه برای گروه‌های مختلف شغلی دوباره اصلاح شد.

در سال ۲۰۱۷ سن بازنشستگی برای «کارمندان خدمات دولتی» به ۶۳ و ۶۵ سال افزایش یافت.

با وجود این تغییرات در گذر زمان، همچنان سن بازنشستگی عمومی برای زنان ۵۵ سال و برای مردان ۶۰ سال حفظ شده بود. اما در این گیرودار،

کارشناسان نهادهای بین المللی و اقتصاددانان روسی به طور مرتب افزایش سن بازنشستگی را توصیه می کردند، یعنی موضعی که برای سالیان سال یک تابوی سیاسی بود. حالا ورد زبان اقتصاددانان نئولیبرالی شده بود. این در حالی بود که پوتین در سال ۲۰۰۵ اعلام کرده بود که سن بازنشستگی به هیچ وجه من الوجوه در دوره ریاست جمهوری او تا پایان افزایش نخواهد یافت.

قانون افزایش سن بازنشستگی

باید بدانیم که سن بازنشستگی ۵۵ سال برای زنان و ۶۰ سال برای مردان، میراث اتحاد شوروی برای دولت روسیه بود و یکی از کمترین نرخها در جهان است. با این وجود جای شگفتی نیست که این سن توسط دولت روسیه مورد تهاجم قرار گرفت. پیش از این نیز تقریباً تمامی جمهوری‌های منشعب از شوروی سابق به جز ازبکستان، در سالیان اخیر، سن بازنشستگی خود را افزایش داده بودند. در سال ۲۰۱۸ نخستین حرکت برای افزایش سن بازنشستگی در روسیه توسط مدودوف در مقام نخست وزیر کلید خورد. او با ارجاع به تحولات بین الملل گفت که سن بازنشستگی در روسیه باید افزایش یابد. هدف تنظیمات جدید در حوزه مستمری ها به قول مدودوف، ایجاد تأمین مالی بانبات برای بازنشستگی و افزایش پرداختی مستمری ها بود. پیش نویس اولیه این لایحه مشتمل بر جزئیات زیر بود:

از سال ۲۰۱۹ سن بازنشستگی عمومی باید به تدریج افزایش یابد: ۶۵ سال برای مردان تا سال ۲۰۲۳ و ۶۰ سال برای زنان تا سال ۲۰۲۶

به همین قیاس پرداخت مستمری اجتماعی باید از سن ۶۰ تا ۶۵ برای زنان و از سن ۶۵ تا ۷۰ برای مردان افزایش یابد. مستمری اجتماعی به افرادی پرداخت می شود که به هر دلیل نمی توانند صاحب یک مستمری بیمه باشند.

برخی تنظیمات خاص برقرار میشود که اجازه می دهد میزان مستمری بازنشستگی قبلی در حوزه هایی مشخص برای افراد، حدود هشت و نیم سال افزایش یابد؛ برای مثال درخصوص سربازان فوتی یا افراد شاغل در مشاغل خشن شمال.



معلمان، کارگران بخش سلامت و هنرمندان پس از چندسال خدمات مشخص، محق اند به نظام قبلی برگردند. این حق محفوظ است اما فعلاً به شکل تدریجی تا ۸ سال به تعویق می‌افتد. با این حال هیچ تغییری در این لایحه درباره گروههای امنیتی و نظامی در خصوص نظام بازنشستگی نباید رخ دهد. همانطور که گفتیم این موضع آخر شعله خشم مردم را بیشتر برافروخت.



راه حل

در مواجهه با این اعتراضات، دولت روسیه متوجه شد که باید



فرآیندی سیاسی را ایجاد کند تا جلوی افزایش تنش و تضاد را در جامعه بگیرد. این فرآیند شامل سه عنصر اصلی بود: نخست گزارش عمومی پارلمانی در دوما درباره قانون‌گذاری بهتر، در وهله دوم گفتگوی تلویزیونی نمایشی پوتین با مردم و در نهایت پذیرش دوباره قانون پس از بازخوانی دوم و سوم. با این حال و طی این مراحل کنترلی نتولیبیرالی، چهارچوب قانون اولیه مدوفا تغییر چندانی نکرد. گزارش پارلمان نیز در جهت توجه هرچه بیشتر مردم به ضرورت این اصلاحات برای افزایش سن بازنشستگی و چند تغییر بی اهمیت در جزئیات بود. در نهایت خود پوتین مداخله کرد و در گفتگوی تلویزیونی توضیح داد که چرا باید سن بازنشستگی افزایش یابد.

سرانجام پوتین صرفاً تغییراتی را در قانون پیش نویس ارائه کرد تا پیامدها اجتماعی آن را ظاهراً تا حد ممکن کمی نرم‌تر و ملایم‌تر کند. این تعدیلات شامل موارد زیر بود:

سن بازنشستگی: زنان باید از سن ۶۰ سالگی مستمری دولتی دریافت کنند. زنانی که سه بچه یابیشتر دارند محق اند که زودتر بازنشسته شوند. زمان ضروری برای اشتغال در بازنشستگی اولیه باید با سه سال کاهش، ۳۷ سال کاری برای زنان و ۴۲ سال کاری برای مردان باشد.



وضعیت بازار کار: ممنوعیت اخراج از کار در پنج سال پیش از بازنشستگی،
دوبرابر کردن مزایای بیکاری و آموزش برای کارگران قدیمی‌تر.



امتیازات و ابعاد تکمیلی: حفظ مزایای موجود برای مستمری‌بگیران
زن ۵۵ ساله و مستمری‌بگیران مرد ۶۰ ساله، مستمری مکمل برای
مردم روستایی، حفظ تنظیمات خاص برای بازنشستگی قبلی دسته‌های
مشخصی از مردم.

این بازی پینگ پنگی ازپیش طراحی شده شامل پیشنهادهای دولت و نخست
وزیر که توسط پوتین به شکل عمومی تلطیف شد، قابل پیش بینی بود.
تغییرات پیشنهادی پوتین هم توسط مردم رد شد و مردم در ۹ سپتامبر به
خیابان‌ها ریختند. هم اکنون کمتر از یک سوم مردم باور دارند تغییرات مدنظر
پوتین توانسته اصلاحات وحشتناک قبلی را بهبود بخشد. در نهایت نیز قانون
اصلاحات بازنشستگی طی روزهای ۲۶ و ۲۷ سپتامبر در پارلمان نیز تصویب
شد. تغییرات مدنظر پوتین نیز به اتفاق آرا پذیرفته شد. این قانون به رغم
مخالفت اکثریت مردم به اجرا گذاشته شد. قانون افزایش سن بازنشستگی
بسیاری از قوانین دیگر را نقض می‌کند:

کنوانسیون سازمان بین المللی کار (ILO) درباره استانداردهای حداقلی تأمین
اجتماعی که خواهان سطح حداقلی ۴۰ درصدی برای مستمری هاست.
روسیه این کنوانسیون را پذیرفته است اما قانون افزایش سن بازنشستگی
آن را نقض می‌کند.



قانون کیفری روسیه که می‌گوید کارگران باسابقه و قدیم‌تر باید در برابر
اخراج به خاطر سن و سال حمایت شوند.

قانون بودجه روسیه که می‌گوید اموال تصاحب شده در موارد فساد،
باید به صندوق‌های مستمری واریز شوند.



در کمتر از ۱۰۰ روز دولت روسیه قانونی جدید درباره اصلاح مستمری‌ها را به اجرا گذاشت که برای سالیان سال یک تابوی سیاسی و امر ممنوعه بود. در نهایت سن بازنشستگی برای زنان به ۶۰ و مردان به ۶۵ سال افزایش یافت. حال آنکه اکثریت مردم روسیه با این قانون مخالفند. این موضوع نمونه‌ای است که نشان می‌دهد که چگونه تکنولوژی حاکمیت روسیه کار می‌کند. در مرحله نخست، دولت روسیه به شکل حيله گرانه زمان بسیار مناسبی را برای اعمال این شوک یعنی افزایش سن بازنشستگی در نظر گرفتند: در آستانه جام جهانی که افکار عمومی مردم روسیه متوجه جام جهانی بود، دولت روسیه با استفاده از مشغولیت افکار عمومی به جام جهانی، یک تهاجم بی سابقه را به حقوق مردم و کارگران این کشور تدارک دیده بود. همچنین در این زمان هرگونه تظاهرات در شهرهای میزبان جام جهانی توسط دولت پوتین ممنوع اعلام شده بود. در مرحله دوم، استراتژی سرکوب و اعطای امتیازات اندک و فریبکارانه در قبال اعتراضات فراگیر اتخاذ شد: ممنوعیت تظاهرات، بازداشت‌ها، خشونت و تقلب انتخاباتی از یکسو و مباحثاتی کنترل شده برای برقراری مصالحه مورد انتظار نخبگان سیاسی از سوی دیگر. احتمالاً این استراتژی چماق و هویج موثر و موفق بود. اصلاحات به رغم مخالفت اکثریت مردم، تصویب و اجرایی شد. روسیه به دقت برنامه نولیبرالی اقتصادی و کنترل فشار اجتماعی را اجرا کرد. امروز تنها چیزی که برای مردم روسیه باقی مانده، هراس از فقر فزاینده و نابودی نهادهای تأمین اجتماعی است، به خصوص در میان کسانی که مستقیماً از قانون افزایش سن بازنشستگی صدمه می‌بینند.



همچنین میزان بی‌اعتمادی سیاسی به نخبگان سیاسی به شدت افزایش یافته است. مردم به وضوح این نخبگان را فاسد می‌دانند. اما به نظر نمی‌رسد این موضوعات برای نظام روسیه اهمیت چندانی داشته باشد.

پیشنهاد جایگزین و بدیل تحلیلگران این است که بهانه دولت برای بحران یا فروپاشی اقتصادی چیزی بیش از یک لفاظی نیست چرا که



اگر دولت با کسری بودجه در تأمین مستمری‌های بازنشستگان روبروست می‌تواند از اقشار ثروتمند الیگارشیک و طبقات بالای جامعه روسیه به شیوه دولت‌های اروپایی مالیات بگیرد و به راحتی هزینه مستمری‌های بازنشستگی را تأمین کند.^۱ علاوه بر این تحلیلگران معتقدند این تصمیم دولت روسیه نقض قرارداد اجتماعی علیه کارگران است چراکه دولت روسیه از مردم در طول سالیان کار آنها، هزینه تأمین مالی این صندوق‌های مستمری را دریافت کرده است.

به همین خاطر مردم در تظاهرات اعتراضی خود، پوتین را دزد صدا می‌زدند. قانون افزایش سن بازنشستگی در روسیه فقط می‌تواند لایه‌های فوقانی قدرت سیاسی و اقتصادی را تقویت کند اما به قیمت فقر هر چه بیشتر مردم تمام خواهد شد.

1. <https://www.reuters.com/article/us-russia-protests-pensions/despite-putins-concessions-russians-protest-pension-reform-law-idUSKCN1LI0DU>



ضمیمه شماره (۱): از رکود به تعدیل: سه مرحله در تحول نظام مستمری در روسیه^۱

نویسنده: النا مالتسوا، استاد دانشگاه ویندسور کانادا

مترجم: سینا چگینی



توضیح مترجم: النا مالتسوا استاد علوم سیاسی در دانشگاه ویندسور کانادا است. تحقیقات او بر سیاست‌های دولت‌های پسا شوروی، اصلاحات تأمین اجتماعی و موضوعات کارگری و بقای رژیم‌ها در کشورهای پسا کمونیستی متمرکز است. در کنار اینها، از آثار اخیر او میتوان این مقالات و کتاب‌ها را برشمرد: مقاله «شکلگیری اصلاح رفاهی: اصلاح مزایای رفاهی در روسیه و قزاقستان» و بخشی از کتاب «ترک در نظام: وقایع ژانواوزن^۲ چه چیز به ما در باره عملکرد رژیم قزاقستان می‌گوید» اشاره کرد. در این مقاله که پس از اعتراضات اخیر در روسیه به اصلاحات در نظام بازنشستگی صورت گرفت، مالتسوا سعی می‌کند در بستری تاریخی و ساختاری این اصلاحات و اعتراضات متعاقب آن را توضیح دهد. به نظر او این اصلاحات بخشی از تهاجم برنامه نئولیبرالیسم روسی به نمایندگی پوتین به حقوق مردم از سال ۲۰۰۰ تا حال حاضر است.

تحول نظام مستمری روسیه از طریق سه مرحله مشخص اتفاق افتاد: دوره طولانی ده ساله ثبات سیاستگذاری در دهه ۱۹۹۰، دوره سیاستگذاری تغییر سریع در اوایل دهه سال ۲۰۰۰ به بعد، و دوره تعدیل سیاستگذاری از نیمه دهه مابعد ۲۰۱۰. چشم‌گیرترین اصلاحی که در سال ۲۰۰۲ اجراشد، تحول از نظام مستمری

۱. منبع: www.css.ethz.ch/en/publications/rad.html

۲. نام منطقه ای در قزاقستان که چندسال پیش شاهد اعتراضاتی بود.

عمومی (PAYG) شوروی به نظام مختلط با تأمین مالی اجباری بود. با وجود این هرچه زمان گذشت برای دولت روسیه مشخص شد که اصلاحات سال ۲۰۰۲ در نیل به نتایج مطلوب شکست خورده است. این موضوع دولت را مجبور کرد که تعدیلات متعددی در نظام مستمری روسیه ایجاد کند که به ویژه در پرتو مخاطرات مالی، اقتصادی و جمعیتی پرشمار حائز اهمیت اند. این تعدیل در سال ۲۰۱۸ ادامه یافت همان زمانی که دولت اعلام کرد که تصمیم به افزایش سن بازنشستگی دارد. به رغم چنین بی‌ثباتی آشکاری، همچنان یک عنصر در تمام این دوره‌ها مشترک است: از اوایل دهه ۱۹۹۰ تحول نظام مستمری روسیه اساساً توسط مشاوران اقتصادی نئولیبرال دولت روسیه انجام شده است. و مخاطرات اقتصادی و ژئوپولیتیک اخیر آینده اقتصاد روسیه را بغرنج می‌کند و این روند احتمالاً همچنان ادامه خواهد یافت.

صحبت زیاد، عمل کم: اصلاح مستمری در دوره یلتسین

در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، فدراسیون روسیه نظام توازن هزینه-درآمد یا همان نظام مستمری عمومی (PAYG) را به ارث برد که تقریباً پوشش مستمری فراگیری برای همه شهروندان شوروی تضمین می‌کرد. این نظام با سن بازنشستگی پایین (۶۰ سال برای مردان و ۵۵ سال برای زنان) مشخص می‌شد، نسبتاً نرخ جابه‌جایی بالایی و مزایای اضافی متعددی را داشت که به گروه‌های جمعیتی انتخاب شده کمک مالی می‌رساند. این نظام حتی پیش از فروپاشی جماهیر شوروی تحت فشار قرار داشت و وضعیت آن در دهه ۱۹۹۰ نیز وخیم‌تر شد. فروپاشی اقتصادی که منجر به مرحله گذار شد، به افزایش سریع نرخ بیکاری رسمی و نیز بیکاری غیررسمی و بخشی منتهی شد؛ بنابراین شماری از کارگران بخش رسمی را تحت تأثیر قرار داد که صاحب سهم‌هایی تضمین شده در ثبات مالی این نظام مستمری توزیعی بودند.

در پاسخ به این معضلات در گیرودار بحران اقتصادی و وضعیت جمعیتی روبه‌وخامت، دولت را تیمی از اقتصاددانان جوان لیبرال در دست گرفتند که رهبر آنها ایگور گایدار بود. این سیاستگذاران روسی توسط عوامل سیاستگذاری بین‌المللی نظیر بانک جهانی (WB) و صندوق بین‌المللی پول (IMF) مورد

حمایت بودند و پارادایم سیاستگذاری لیبرالی را به منزله تنها راه‌حل قابل دوام برای همه مسائل اجتماعی از جمله تأمین اجتماعی سالمندان رشد و ارتقا دادند. عناصر کلیدی برنامه اقتصادی گایداری، آزادسازی قیمت و تجارت از طریق کاهش مخارج دولت و کنترل سفت و سخت روی عرضه پول، کوچک‌سازی ریشه‌ای و لیبرالیزه کردن نظام رفاهی شوروی بود.

با این حال، به رغم خواست دولت لیبرال‌مآب برای براندازی نظام رفاهی و نیز فشار مداوم صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در جهت اجرای سیاست‌های توافق واشینگتون و وابستگی فزاینده به وام‌های غربی، بقایای نهادی که خودشان را در شکل انتظارات انتخاباتی و رای‌دهندگانی که از نظم قدیمی دفاع می‌کردند، از اصلاحات ریشه‌ای جلوگیری می‌کرد. در نهایت، شوک‌های خارجی، بقایای شوروی و ملاحظات سیاسی، محرک‌های مالی را عقب راند و قدرت کاسب‌کاران لیبرال در داخل محافل دولتی تضعیف شد. در نتیجه، حتی با اینکه اجرای نظام مستمری عمومی (PAYG) کسری و کمبودهای متعددی را نشان می‌داد، موازنه قوا بین نیروهای ظاهراً ناسازگار لیبرالی و نیروهای سیاسی چپ‌گرا منجر شد به اینکه تغییرات پارامتریک چندانی نشد.

اصلاح لیبرالی در زمینه‌های غیر لیبرال: اصلاح مستمری در دوره پوتین

در زمان کوتاهی پس از دستیابی پوتین به قدرت در سال ۲۰۰۰، پیشرفت غیرمنتظره پارادایمی (نولیبرالی) رخ داد. تمرکز مجدد نهادهای سیاسی روسیه با ورود اصلاح‌طلبان لیبرال جوانی شبیه به تیم گایداری در اوایل دهه ۱۹۹۰ انجام شد. آنها خواست خود را برای شکل‌دهی دوباره به نهادهای اجتماعی به منظور ارتقای عملکرد اقتصادی کشور اعلام کردند. طبق گفته ژرمان گراف که در ماه می سال ۲۰۰۰ به سمت وزیر بازرگانی و توسعه اقتصادی منصوب شد، هدف دولت جدید، مدرنیزه کردن اقتصاد روسیه و «قابل‌مدیریت و بازارمحور ساختن» آن بود. در چنین بستری، اصلاح تأمین اجتماعی نیاز داشت تا با مشکل «گودال جمعیتی» مواجه شود که ویژگی آن افزایش تعداد مستمری‌بگیران و کاهش تعداد کارگران تمام‌وقت بود که به نظام مستمری حق بیمه پرداخت می‌کردند.

عوامل متعددی نظیر محیط بین‌المللی نوع‌دوستانه که به شکل گسترده‌ای از

جانب اصلاحات اقتصادی لیبرالی پوتین حمایت می‌شد، بهبود مداوم وضعیت اقتصادی روسیه، تمرکز نهادهای سیاسی و جریان عظیم «قدرت ایده‌ها» که توسط کابینه ولادیمیر پوتین اعمال می‌شد، به دولت این مجال را داد تا اصلاحات اجتماعی و اقتصادی لیبرالی را که از دهه ۱۹۹۰ متوقف شده بود، به انجام رساند.

اصلاح مستمری در سال ۲۰۰۲ صورت گرفت و به طور گسترده مدل مستمری بانک جهانی را دنبال می‌کرد، به گونه‌ای که نظام مستمری عمومی (PAYG) شوروی را به نظام چندلایه‌ای متحول کرد که شامل سه بخش بود:

۱. مستمری پایه که توسط دولت تضمین می‌شد و به همه دسته‌های دریافت‌کننده مستمری، بدون لحاظ تاریخ اشتغال، ارائه می‌شد.
۲. بیمه مستمری اجباری که هم بخش مزایای معین PAYG (تأمین مالی نشده) و هم بخش حق بیمه معین تأمین مالی شده را که به طور گسترده توسط دولت مدیریت می‌شد، دربرمی‌گرفت.
۳. بیمه تکمیلی و اختیاری.

طبق برنامه اصلی، کارگران یک بار در هر سال فرصت داشتند که تصمیم بگیرند یا پس‌اندازهای خود را در صندوق مستمری روسیه (PFR) نگه دارند که در اوراق قرضه دولتی امن سرمایه‌گذاری می‌شد، یا آنها را به یک صندوق مستمری غیردولتی یا یک شرکت مدیریت خصوصی بپردازند که وعده فرصت‌های بیشتر و بازگشت بالاتر سرمایه‌گذاری را میداد.

این اصلاحات، گسست نهایی از نظام مستمری عمومی یا همان نظام توازن هزینه-درآمد (PAYG) بود به سوی نظامی که برپایه منطق مسئولیت‌سهم‌بری بنا شده بود؛ نظامی که در آن تصمیمات اصلی درباره تأمین اجتماعی افراد متکی بر آینده دریافت‌کننده مستمری بود، نه دولت. به این معنا، این اصلاحات یک تغییر ساختاری را در اصول بنیانی نظام مستمری روسیه ایجاد کرد و آن را در مسیر اصول ایدئولوژی نولیبرالی قرار داد. با نگاه از منظر اقتصادی، دولت امیدوار بود که طرح پایه نظام مستمری تأمین مالی

شده، سرمایه‌گذاری در بازارهای سرمایه را تحریک و تشویق کند، به احیای اقتصادی بلندمدت یاری رساند، مدیریت منابع مالی کشور را بهبود بخشد و پایداری و شفافیت نظام مستمری روسیه را افزایش دهد.

با این حال، یک دهه بعد آشکار شد که اصلاح مستمری سال ۲۰۰۲ در دستیابی به نتایج مطلوب شکست خورده است. عوامل متعددی شامل شوک‌های اقتصادی بیرونی دائمی نوظهور، همراه شد با کسورات فزاینده در صندوق مستمری روسیه و عملکرد ضعیف صندوق‌های خصوصی، هزینه‌های فراتر از انتظار دوره گذار، ساختارهای مدیریتی و مالی ضعیف باقیمانده از اصلاحات، شکست ایده‌های لیبرالی مستمری برای «جسباندن» ارزش‌های روسی و انتظارات صدمه‌دیده از اجرای اصلاحات و سطح پایین اعتماد عمومی به پایداری و جذابیت نظام مستمری جدید.

در جستجوی تنظیمات مستمری جدید: اصلاح مستمری روسیه در مرحله حساس

از سال ۲۰۱۲ این فهم روبه رشد در دولت روسیه ایجاد شد که اگر روسیه بخواهد به مسیر مدرنیزاسیون تحت شرایط عدم اطمینان فزاینده بین‌المللی و اقتصادی ادامه دهد، به تزریق مالی کافی و باثبات درون اقتصاد نیاز دارد. بنابراین جرح و تعدیل دیگری در دستور کار نظام مستمری روسیه قرار گرفت. دو انتخاب اصلی رو میز بود. در حالی که طرفداران رویکرد اجتماعی خواهان آن بودند که حساب‌های ذخایر اجباری در ردیف اختیاری قرار گیرند، اردوگاه لیبرالی و بخش تجاری از نابودی حساب‌های حق بیمه معین قانونی طرفداری می‌کردند و می‌گفتند که فقط تغییر به نظام الزامی ذخایر کلا خصوصی از طریق بازار سرمایه می‌تواند نظام مستمری روسیه را نجات دهد. برخی کارشناسان لیبرال از قبیل آلکسی کوردین، وزیر دارایی سابق پیشنهاد افزایش تدریجی سن بازنشستگی تا ۷۰ سال را ارائه کردند. بحث با امضای رئیس جمهور زیر نسخه توافقی اصلاح مستمری پایان یافت، نسخه ای که فرمول امتیازمحورانه جدیدی را مطرح کرد و به طور جزئی، خصوصی‌سازی مستمری‌ها را با ایجاد بخش

انتخابی تأمین مالی شده وارونه کرد. در همین زمان کارگران را تشویق می‌کرد که بخش تأمین مالی شده مستمری هایشان را با کمک یک مکانیزم تأمین مالی مشترک حفظ کنند. با این حال اجرای اصلاح مستمری در سال ۲۰۱۳ به خاطر شرایط نامطلوب اقتصادی خنثی شد، این شرایط تا سال ۲۰۱۴ به دلیل بحران اوکراین و کاهش قیمت نفت ادامه یافت. در نتیجه دولت روسیه با تنگنای سختی در تأمین امنیت سرمایه گذاری برای پروژه‌های زیربنایی ملی مواجه شد، پروژه‌هایی که برای افزایش رشد اقتصادی ضروری تلقی می‌شد. علاوه بر این، اگر پیش از بحران ۲۰۱۴ دولت قادر بود که کسری منابع صندوق مستمری دولت را از طریق نقل و انتقالات بودجه فدرال تحت پوشش قرار دهد، پس از هجوم بحران اقتصادی اخیر، انتقالات بودجه بازدهی نداشت و این شرایط، اصلاحات ساختاری را طلب می‌کرد.

همینطور که آشفته‌گی‌های مالی تشدید می‌شد، دولت خودش را در شرایطی سخت با تعداد محدودی از گزینه‌های سیاستگذاری دید: بازیابی بخش مستمری خصوصی اجباری، افزایش مالیات‌های اجتماعی، کاهش مخارج، افزایش سن بازنشستگی و کاهش مزایای بازنشستگی. در مواجهه با این معضلات، دولت تصمیم گرفت نظام مستمری خصوصی اجباری را بازیابی کند و اظهار کرد که این صندوق‌ها را میتوان در بلندمدت برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد از طریق فراخواندن صندوق‌های مستمری خصوصی برای پروژه‌های زیربنایی دولتی به کار برد.

علاوه بر این، دولت به مسئله افزایش سن بازنشستگی بازگشت. نخستین گام در سال ۲۰۱۵ برداشته شد؛ زمانی که دولت قانونی را به پارلمان تقدیم کرد که افزایش تدریجی سن بازنشستگی مقامات دولتی را از ۶۰ به ۶۵ سال پیشنهاد می‌کرد و شامل کارمندان دولت، کارگران شهرداری و افراد شاغل در موقعیت‌های دولتی بود. ("دولت روسیه شروع به اجرای قانون افزایش سن بازنشستگی از ۶۰ به ۶۵ سال می‌کند"، متن قانون سال ۲۰۱۵). این لایحه برای تبدیل به قانون توسط رئیس جمهور، ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۱۶ امضا شد و از یکم ژوئن ۲۰۱۷ به مرحله اجرا موثر است. علاوه بر این، در سال ۲۰۱۶ مرکز تحقیقات استراتژیک که تحت مدیریت وزیر دارایی سابق یعنی آلکسی

کوردین است، استراتژیای را برای رئیس جمهور، ولادیمیر پوتین تدارک دید که کاهش تعداد مستمری‌بگیران را از طریق افزایش سن بازنشستگی برای زنان به ۶۳ سال و برای مردان به ۶۵ سال پیشنهاد می‌کند.

پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۸، دولت تصمیم خود را مبنی بر افزایش سن بازنشستگی برای مردان از ۶۰ به ۶۵ از سال ۲۰۲۸ و برای زنان از ۵۵ به ۶۳ از سال ۲۰۳۴ اعلام کرد اما وعده داد که برخی از مزایا و گزینه بازنشستگی اولیه را برای گروه‌های گزینش‌شده جمعیت از قبیل کارگران شرایط اقلیمی سخت در شمال دور حفظ خواهد کرد. این اصلاح مورد حمایت صندوق بین‌المللی پول (IMF) بود. با وقوع اعتراضات در پی آن، رئیس جمهور اعلام کرد که تغییرات پیشنهادی برای سن بازنشستگی زنان ملایم می‌شود و سن بازنشستگی زنان به جای ۶۳ سال به ۶۰ سال افزایش می‌یابد در حالیکه افزایش سن بازنشستگی مردان همانطور باقی میماند. انتظار می‌رود این اصلاح در سال ۲۰۱۹ آغاز شود. مضاف بر این، دولت اشاره کرد که این برنامه در امتداد نوآوری‌های دیگری از قبیل منع نظام امتیازات مورد استفاده برای محاسبه مستمری یک فرد، پیش خواهد رفت.

در نتیجه، آنچه در این مرور مختصر بدیهی و آشکار است تحول نظام مستمری روسیه از طریق سه گام اصلی است. طی دهه ۱۹۹۰ ایده سیاستگذاری لیبرال توسط مشاوران سیاستگذاری غربی در این حوزه بسیار محبوب بود، با این حال تحقق و اجرای واقعی آن وابسته به حضور عاملان قوی سیاستگذاری بود که واجد توان غلبه بر موانع سیاسی و نهادی مختلف این اصلاحات باشند. در شرایط موجود آن‌زمان، توانایی دولتی ضعیف همراه شد با بقایای نهادی به شکل انتظارات انتخاباتی و دفاع رایدهندگان از نظام قدیمی؛ همین امر از اصلاحات بنیانی جلوگیری می‌کرد. اصلاحات با ورود عمال سیاسی جدید پیگیری و اجرا شد، عملی که ثابت کردند قادر هستند به راهبری و تغییر محیط نهادی و سیاسی که در آن هدف اصلی با پیشرفت غیرمنتظره سیاستگذاری تاریخی تسهیل شد. به رغم شروع موفق، اصلاح مستمری سال ۲۰۰۲ در مسیر نهادی شدن شکست خورد، به خاطر عوامل درونی و بیرونی شامل هجوم بحران مالی و سیاسی (یک شوک بیرونی غیرمنتظره)، تنگناهای نهادی که

عملیات عاملان کلیدی سیاستگذاری مسئول در اجرای این اصلاحات را محدود می‌کرد، مشروعیت ضعیف اصلاحات در چشم عموم مردم و نواقص واقعی در برنامه نظام جدید مستمري.

تلاش‌های بعدی برای تعدیل دوباره در سال ۲۰۱۳، ۲۰۱۵، و ۲۰۱۸ نشان داد که مدل توسعه نئولیبرال و محافظه کار اتخاذ شده توسط دوما و دستگاه پوتین که به همان خواست اولیه سال ۲۰۰۰ برمی‌گردد، احتمالاً بر بخش تأمین اجتماعی روسیه در آینده مسلط میماند. این مدل سعی دارد که اقتدارگرایی سیاسی نئولیبرالیسم را در سپهرهای اجتماعی و اقتصادی با هدف چرخاندن مسئولیت رفاه اجتماعی مردم بر دوش افراد، ترکیب کند. به این معنا، روند محافظه کار و نئولیبرال روسیه در عرصه تأمین اجتماعی سالمندان از تحولات برخی کشورهای غربی متفاوت نیست و کافی است به سیاست‌های تاچر و ریگان در ۳۰ سال پیش فکر کنیم که آنها نیز از سیاست‌های کاهش رفاه، اصلاحات کارگری لیبرال و تجاریسازی و خصوصی‌سازی بخش عمومی حمایت می‌کردند.